گزارش

یک ایرانی که از اهل بیت پیامبر(ص) شد

نگاهی به زندگی سلمان پارسی به مناسبت روز بزرگداشت او

فرمندا| روزبه بَرده بود، پارسی (ایرانی) بود، با ساکنان شبه‌جزیره هم‌زبان نبود، و این‌ها کافی بود تا او در جمع آن‌ها خودی به شمار نیاید. بااین‌همه پیامبری که در میان آن قوم سر برآورده بود، آمده بود تا این مناسبات بَدوی و غیرانسانی و ضددین را کنار بزند و هماو که روزبه ایرانی را سخت شیفته شخصیت و جهان‌بینی و آیین خود ساخت، او را از اهل بیت خود دانست. جست‌وجوگر پارسی حالا سلمان نامیده می‌شد؛ سلمان محمدی یا پارسی. اما محمد(ص) در پیشانی این غریبه چه دیده بود که چنین شگفت‌انگیز او را در شمار خانواده خود پذیرفت؟

در جست‌وجوی ظهور

او ظاهرا در خانواده‌ای زرتشتی و سخت دل‌بسته این آیین زاده شده و بالیده بود اما کژروی‌های راه‌یافته به آیین اشوزرتشتِ پیامبر، چنان شمایل دیگرگونی از دین مزدیسنا ساخته بود که نمی‌توانست پاسخ‌گوی پرسش‌های روزبه باشد. او همچنین از کشیشان وعده آمدن پیامبری تازه را شنیده بود. در هر صورت، روح تشنه حقیقت او در راهِ سنگلاخ حق‌جویی و یافتن آیین نو، آیین‌هایِ گوناگونی را آزمود و به آن‌ها گروید.

گفته شده است که نخست به کیشِ نقاشِ آیین‌ساز، مانی، درآمد و دَر آن چنان توانمندی‌ای از خود نشان داد که در شمار برگزیدگان جامعه مانویان قرار گرفت. اما زیستن در سایه حکومت ساسانی که رفتارهای شدید و بی‌رحمانه‌اش با باورمندان به دیگر ادیان یا مرام‌ها پیشینه‌ای تاریک در تاریخ ثبت کرده است (نمونه مشهورش کشتار مزدکیان در روزگار قباد و انوشیروان است)، برای روزبه امن نبود. او از ایران گریخت و همین سفر، آشنایی او را با دیگر باورها رقم زد. حالا دیگر کیش التقاطی مانی نقاش که آمیزه‌ای بود از آرا و باورهای بابلی، مسیحی، زرتشتی، بودایی نیز روح تشنه او را سیراب نمی‌کرد. او در سرزمین شام به تحصیل و تدبر در آیین عیسی(ع) مشغول شد، سپس به همراه کاروانی راهی شبه‌جزیره عربستان شد. در طول راه، هجوم راهزنان او را به بند کشید و حقیقت‌جوی ایرانی را به عنوان بَرده به مردی جهود فروختند. این‌گونه عدو سبب خیر می‌شود تا سرانجام روزبه روشنایی دل‌خواه را در مردی می‌بیند که عزمی راسخ در مبارزه با تاریکی و پلیدی دارد و ازهمین‌رو از شهر و دیارش به مدینه آمده است، شهری که روزبه بردگی‌اش را در آن سپری می‌کند. پیامبر صلح و رحمت، روزبه را سخت به خود و آیینش اسلام جذب می‌کند.

محترم در نزد شیعه و سنی

اسلام‌آورده وفادارِ پارسی در سلک مهم‌ترین صحابه رسول اکرم(ص) درآمد و چنان جایگاهی پیدا کرد که حتی هنگامی که میان امت دوگانگی افتاد، محترمِ هر ۲ جریان باقی ماند. طرفه اینکه این احترام در شرایطی پاس داشته شد که او جزو معدود مسلمانانی بود که پس از رحلت حضرت‌محمد(ص) بر وصیت پیامبرش پایدار ماند و ضمن گوشزد حقیقت غدیرخم، بر حقانیت جانشینی علی(ع) پای فشرد. دراین‌باره، عبارت پارسیِ «کردید و نکردید» از او، که در انتقادَ و اعتراض به ماجرای خلافت است، مشهور است. بااین‌همه او بعدها به استانداری مدائن رسید.

کندگی بر گرد شهر

یکی از مشهورترین رخدادهایی که درباره سلمان پارسی در تاریخ ثبت شده است، به ماجرای نبرد احزاب برمی‌گردد. در پنجمین سال هجرت پیامبر(ص) از مکه به یثربی که حالا مدینه‌الرسول نامیده می‌شد، سپاهی از کفار و یهودیان شهر استقرار رسول خدا را محاصره کردند. آن‌ها هجوم آورده بودند تا شاید بتوانند درخت اسلام را از ریشه درآورند و کارش را تمام کنند. در ظاهر امر نیز اوضاع به سود آن‌ها بود، چراکه شمارشان چندین برابر مسلمانان بود. سلمان، مشاور پیامبر(ص)، مردی خردمند و حکیم بود و از کشورش ایران نیز کوله‌باری از تجربه با خود داشت. یکی از این اندوخته‌ها شیوه مقاومتی بود که در ایران در هنگام تاخت‌وتاز دشمن انجام می‌شد. سلمان پیشنهاد کرد دور شهر را کَنده (کَندگ)ی حفر کنند و این‌گونه مانع از ورود و پیروزی مشرکان شوند. در این نبرد مسلمانان به کامیابی تاریخی‌ای دست یافتند که سخت به دشمن آسیب و زیان وارد کرد. جنگ احزاب بر پایه همین تدبیرِ صحابیِ پارسی، به «خندق» (معربِ کَندگ) هم معروف است.

گویا در همین نبرد مسلمانان مهاجر به مدینه می‌خواستند سلمان با ایشان باشد و انصار نیز همین خواسته را داشته‌اند. اینجاست که پاسخ هوشمندانه و معنادار پیامبر(ص) گفته می‌شود: «سلمان از ما اهل‌بیت است.»

استانداری که زنبیل می‌فروخت

سلمان در زمره هواداران و پیروان صدیق اهل‌بیت(ع) بود و طبیعی است که در ساده‌زیستی نیز از ایشان سرمشق بگیرد. ماجرایی درباره گریستن او از دیدن چادر وصله‌وپینه حضرت زهرا(س) نقل شده است که بر مقایسه دختر پیشوای مسلمانان با دختران قیصر و کسرا استوار است؛ همچنین حکایتی آورده شده که او به خلیفه دوم به سبب استفاده از ۲ جامه و ۲ خورش بر سر سفره هشدار می‌دهد.

ساده‌زیستی او به فروتنی آراسته بود تا جایی که در زمان استانداری‌اش در مدائن، متواضعانه خطای مرد شامی را که او را کارگر می‌پندارد، نادیده می‌گیرد و بار او را برایش حمل می‌کند. جناب استاندار وقتی مستخدمی را روانه کاری می‌کند، خود کارهای آن شخص را انجام می‌دهد. سلمان محمدی سهمش از بیت‌المال را صدقه می‌داد و خود با زنبیل‌بافی و فروش آن امرار معاش می‌کرد.

لقمان امت اسلام

سلمان را چونان لقمان امت اسلام دانسته‌اند. گویا در جریان مکالماتی وقتی یکی از مسلمانان از سر جهل در گفته‌های سلمان شک می‌آورد، رسول خدا صحابی ایرانی‌اش را به لقمان حکیم مانند می‌کنند. گفته‌ای منتسب به امام علی(ع) نیز مشابه توصیف پیامبر(ص) نقل شده است که می‌فرمایند: «شما چه کسی را همانند لقمان دارید؟ مردی را دارید که از ماست و رو به سوی ما اهل بیت دارد. دانش پیشین و پسین را آموخته و کتاب اوّل و آخر را خوانده است و دریایی پایان‌ناپذیر است.»

حتی در کنار این همانندی، حدیثی از امام صادق(ع) به جا مانده است که حضرت سلمان را برتر از لقمان دانسته‌اند. امام ششم همچنین در بیان فضایل او فرموده‌اند سلمان کسی است که هوای امیر مؤمنان(ع) را بر هوای نفس خود اختیار کرد، فقیران را دوست می‌داشت و آن‌ها را بر ثروتمندان برمی‌گزید، به دانش و دانشمندان محبت می‌ورزید.

خرده‌گیرانِ نکته‌سنج

بررسی نقد ادبی در ایران با مروری به کارنامه برخی منتقدان بنام

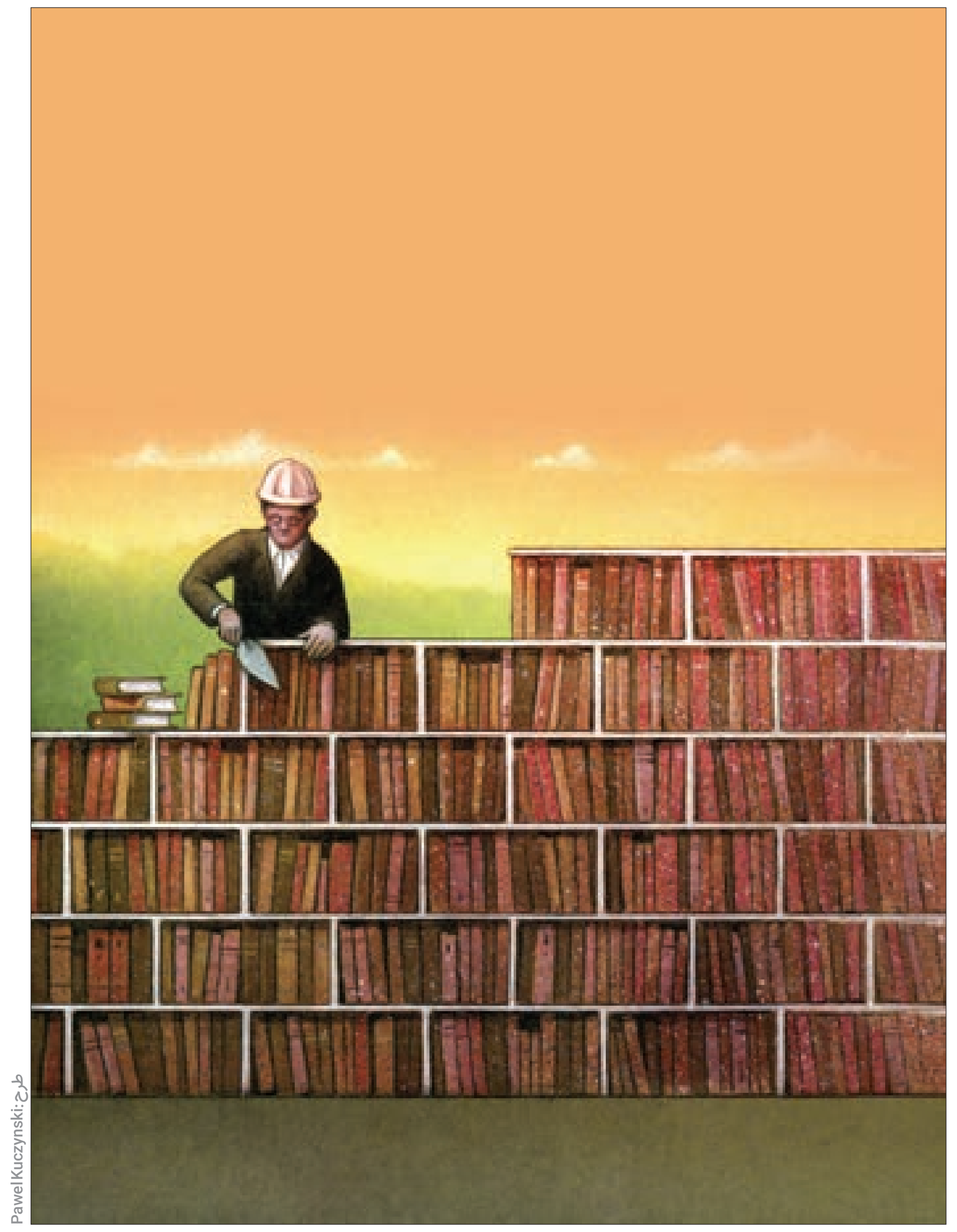

طرح: Pawel Kuczynski

نقد ادبی در ایران، از زمان آخوندزاده تا امروز که پژوهشگران مطرحی چون شفیعی کدکنی در عرصه ادبیات قلم می‌زنند، شخصیت‌های متعدد با آرای گوناگونی را به خود دیده است. از آن شمار، برخی اسم و رسم بیشتری به دست آورده‌اند و تأثیر ویژه‌ای بر ادبیات کشور گذاشته‌اند. خبرگزاری ایسنا در گزارشی کارنامه برخی منتقدان ادبی بنام را از نگاه ایرج پارسی‌نژاد، نویسنده و تاریخ‌نگارِ نقد ادبی نوین ایران، مرور کرده است. از پارسی‌نژاد کتاب‌هایی چون «روشنگران ایرانی و نقد ادبی»، «فاطمه سیاح و نقد ادبی»، «احسان طبری و نقد ادبی»، «نیما یوشیج و نقد ادبی»، «خانلری و نقد ادبی»، «محمدتقی بهار و نقد ادبی» و «زرین‌کوب و نقد ادبی» و جز این‌ها به چاپ رسیده است.

آغاز جسارت در نقد ادبیات

میرزا فتحعلی آخوندزاده در ۱۲۸۳ق/۱۸۶۶م با نوشتن «قرتیکا» (کریتیک) از قصیده سروش اصفهانی، شاعر دربار ناصری، انتقاد کرد و معیارهای تازه‌ای را در نقد ادبی مطرح کرد که پیش از او متداول نبود. او در تأثیر افکار و آثار نویسندگان نواندیش روسی نقد مضمون را جانشین خرده‌گیری‌های لفظی کرد و مقوله انتقاد از ادبیات را از محدوده سنتی خود، که بحث درباره صنایع بدیعی و لفظی کلام بود، خارج کرد و به نقد و سنجش در ارزش موضوع و شیوه بیان کشاند و بر طرح مضامین فکری و اجتماعی و اخلاقی در آثار ادبی تأکید کرد. آخوندزاده برای نخستین‌بار در تأثیر نقد اجتماعی مسئله تعهد نویسنده و شاعر را در خدمت به جامعه یادآور شد و در این زمینه تا آنجا پیش رفت که ادبیات و هنر را وسیله تهذیب اخلاق شناخت. آخوندزاده در نقد ادبی ارزیابی دقیقی از مضمون آثار معتبر کلاسیک‌ها و معاصران را وظیفه خود قرار داد و در این زمینه هرچند که از اشتباه برکنار نماند، جسارت انتقاد از آثار معروف و معتبر را در آیندگان برانگیخت.

پراکنده‌گویی برآمده از دانش بسیار

محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) شاعر بزرگ معاصر و محقق و مؤلف گران‌مایه ادبیات نیز از استادانی است که همانند دیگران از انتقاد برکنار نیست. بهار گرچه خود به ضرورت تجدد در شعر و نثر زمانه پی برده بود، مأنوسات ذهنی و تربیتی او مانع از آن شده بود که در حرکت خود به سوی تجدد بیش از حد «اصلاح» پیش رود. او توانست تجدد در شعر را در حد «اصلاح معنای جدید در قالب و قواعد قدیم» بپذیرد.

در زمینه تحقیقات ادبی هم مهم‌ترین اثر بهار «سبک‌شناسی» است. به گمان من این کتاب دستخوش پراکنده‌گویی است و از یک روش علمی پیروی نمی‌کند. جلد اول «سبک‌شناسی» که در تاریخ زبان فارسی است، حاوی احکامی است خارج از حوزه تخصصی مؤلف که اعتبار ندارد. همچنان که در مقاله‌های او ارجاعات به نظریات دانشمندان و نویسندگان اروپایی سطحی و شتاب‌زده است و نشان‌دهنده اصالت مطالعه و دانش عمیق نیست.

اما مقاله باریک‌بینانه آن استاد در شرح حال فردوسی و «شاهنامه»، با گذشت بیش از ۸۰سال، از روشن‌بینی و درک و دریافت درست آن ادیب سخنور در شناخت «شاهنامه» حکایت می‌کند. او زمانی به نقد «شاهنامه» پرداخت که در روزگار تبعید و تنگ‌دستی جز ۲نسخه ناپیراسته از «شاهنامه» را در دسترس نداشت.

اگر سبک‌شناسی نثر فارسی او دستخوش پراکنده‌گویی و آشفتگی است، به یاد داشته باشیم که بهار خواسته است که همه دانش خود را از تاریخ تمدن و فرهنگ و آداب ایران باستان و زبان‌ها و خط‌ها و لهجه‌های کهن و تحول لغات و فقه‌اللغه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی پیش از اسلام و کتیبه‌ها و کتاب‌ها و رساله‌های دینی و اخلاقی تا نثر زبان‌های پهلوی و دری و اختلاف صرفی و نحوی و نکته‌های دستوری، همه را در یک‌جا بیاورد. از این‌رو است که کتاب از روش علمی امروزی دور مانده است.

یک مقاله ساده بازاری!

نیما یوشیج نیز به معنای واقعی مقالات نظری زیادی درباره نقد ادبی ندارد، اما تأثیر همان یادداشت‌های کوتاهی که به‌صورت نامه یا «حرف‌های همسایه» از او به جا مانده، از نظر تاریخی بسیار مهم است. تنها رساله مستقل نوشته او با عنوان «ارزش احساسات در زندگانی هنرپیشگان» در دست است که برخلاف گفته افرادی از قبیل شمس لنگرودی که در تاریخ «تحلیلی شعر نو» آن را «محکم‌ترین و مستدل‌ترین کتاب تئوریک در زمینه شعر نو» خوانده، نوشته مهملی است سرشار از فلسفه‌بافی‌های نامفهوم، به نقل قول از دیگران، بدون ذکر مأخذ و غالبا غلط، که خود نیما در یادداشت‌هایش آن را «یک مقاله ساده بازاری» خوانده که آن را «به حساب کاری که بر عهده داشته» نوشته است. گویا پس از کوچ نیما از مازندران و اقامتش در تهران، دوستانش برای تأمین درآمدی او را به نوشتن مقالاتی، به‌صورت پاورقی برای هر شماره مجله «موسیقی» متعهد می‌کنند. نیما خود درباره این مقالات می‌گوید «ارزش احساسات» را در چند شب متوالی با وضعیتی ناراحت تهیه می‌کرده است.

ایرج پارسی‌نژاد:
اگر سبک‌شناسی نثر فارسی او دستخوش پراکنده‌گویی و آشفتگی است، به یاد داشته باشیم که بهار خواسته است که همه دانش خود را در یک‌جا بیاورد

ضرورت مراجعه جوانان به داناتر از خود

استاد زرین‌کوب ادیب، مورخ و منتقد هم دانشمندی بوده که به نقد ادبی جدید ایران آبرو و اعتبار بخشیده است. زرین‌کوب از نخستین پژوهشگرانی است که با تسلط بر زبان‌ها و ادبیات و فرهنگ اروپایی شعر و ادبیات ایران را از منظر امروزی نقد و بررسی کرده است. او با آگاهی وسیع بر منابع نقد ادبی جهان توانسته لزوم مراجعه به منابع معتبر را به ادیبان و محققان جوان یادآوری کند تا در کار تحقیق صرفا به درک و دریافت خود متکی نباشند و از حاصل پژوهشگران داناتر و کارآزموده‌تر از خود بهره گیرند.

سراسر نوآور اما در دام تناقض

به گمانم شفیعی کدکنی هم در میان منتقدان ادبی زمان خود یگانه و منحصر به فرد است. به گمانم آثار استاد شفیعی از نقد و تصحیح متون کهن فارسی و جست‌وجو در آثار عارفان و شاعران بزرگ ایران گرفته تا نقد شعر دیروز و امروز و تئوری‌های بدیع او در این زمینه و معرفی نقد مدرن جهانی به ایرانیان و تطبیق آن با شعر و ادبیات عصر ایران، همه و همه معتبر و خواندنی و آموختنی است. حرف‌ها و نظرهای او در حوزه شعر و ادبیات همه نوآورانه و بدیع و اصیل است و یک نکته تکراری در آن نمی‌توان یافت.

البته انکار نمی‌توان کرد که آرا و افکار او هم مثل دیگران از ضعف و خطا برکنار نیست. یکی از تئوری‌های او در توضیح تناقض است که هر هنرمندی در کمون ذات خود دارد. به گمانم شفیعی کدکنی که خود شاعر هنرمندی است، در آرای خود از آسیب این تناقض‌ها برکنار نمانده است. گذشته از مسئله تناقض، مبالغه و اغراقی است که گاهی درباره بعضی از اشخاص و افکار در جای‌جای مقالاتش دیده می‌شود و احکامی که گاهی بی هیچ ملاحظه‌ای و استثنایی در مسائل ادبی و هنری صادر می‌کند که از احتیاط عالمانه دور است.

درنگ

انجمن‌های ادبی زمینه‌ساز فرهنگی پویا

محمد حقیقت‌خواه| در تاریخ ایران بعد از اسلام از زمان‌های گذشته تاکنون انجمن‌های ادبی در شکل‌گیری و روند طبیعی شعر فارسی نقش بسزایی داشته‌اند؛ شعری که از عناصر مهم ادب هر قوم است و هر فکر و فرهنگی که زبان آن را به کار نگیرد، در حق خود کوتاهی کرده است. انجمن‌های ادبی می‌توانند مرکز شکوفایی استعدادهای شعری بشر باشند.

نقش این محافل و گروه‌ها از آغاز حکومت طاهریان تا زمان مشروطه پررنگ بوده است. با سربرآوردن نهضت مشروطیت حضور آن‌ها قدری بیشتر هم می‌شود و هم از نظر شکل ظاهری و هم از لحاظ محتوا و مضمون بر شعر آن روزگار تأثیر می‌گذارند. با آغاز سلطنت رضاشاه این نقش به سبب خفقان موجود قدری کم‌رنگ می‌شود اما در هر صورت در همین گیرودار، شعر نو زاده می‌شود.

در این میان مهم این است که هرچند مضامین شعری آن روزگار بیشتر رضایت شعری حاکمیت را به همراه داشت، انجمن‌های ادبی تلاش می‌کردند از ادبیات فارسی دفاع کنند.

در ادامه، انجمن‌ها فعالیت خود را دنبال می‌کنند و تعدادشان نیز افزایش پیدا می‌کند، تا امروز که به وفور در سراسر کشور حضور و فعالیت دارند. بسیاری از آن‌ها بعد از انقلاب به صورت خودجوش مانند همه نهادهای مردمی دیگر تشکیل شدند و شروع به فعالیت کردند. این فعالیت‌ها نقش اثرگذاری در پیشرفت فرهنگی عمومی دارد و حتی امروز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به این جایگاه آن‌ها را در قالب کانون‌های ادبی سازماندهی و برای هریک شناسه‌ای صادر کرده است.

اما در انجمن‌های ادبی «هدف» یکی از بارزترین و بدیهی‌ترین موضوعات فعالیت‌هاست، چراکه ترسیم یک هدف کلی برای انجمن‌های ادبی ایران، می‌تواند همان حفظ و حراست از ادبیات فارسی باشد، می‌تواند ما را مکلف کند تا شیوه نگارش و درست‌نویسی و ویرایش را بیشتر مورد توجه قرار دهیم.

از سوی دیگر، اگرچه در هدف‌گذاری اولیه انجمن‌های ادبی شعر و ادبیات داستانی محوریت دارد، همین نقد کتاب و شعر و داستان دستاویزی است برای آموزش گفت‌وگو و مدارا و تحمل آرای دیگران در فضایی آرام.

روی‌هم‌رفته اعضای انجمن ادبی می‌توانند «سربازان فرهنگی و اجتماعی» ما باشند و باید باور کنیم که انجمن‌های ادبی می‌توانند زمینه‌ساز فرهنگی پویا و متعالی در سیر فرهنگ اجتماعی باشند و با حضور صحیح و پررنگ خود سرنوشت فرهنگی و اجتماعی ما را رقم بزنند.

یکی از اتفاقاتی که در این انجمن‌ها می‌افتد، کشف استعدادهای علاقه‌مند به ادبیات فارسی است که در یک رویکرد درست، می‌شود آن‌ها را تقویت و پویا ساخت و با فراهم کردن بستری مناسب برای نوقلمان -این رشته‌رودهای باریک که از چشمه‌سار پاکی‌ها حرکت می‌کنند و در رودخانه دانایی به هم خواهند رسید- «قلم‌های متعهد» پرورش داد. صاحبان این قلم‌ها می‌توانند هریک سربازی در مسیر مقابله با هجمه‌های سلطه‌گری استکبار و تهاجمات فرهنگی و اجتماعی دشمن باشند.

نکته شایان ذکر دیگر درباره این کانون‌ها این است که انسجام و وحدت نظر دبیران انجمن‌های ادبی سراسر کشور می‌تواند رقابت را به رفاقت تبدیل کند و آینده روشنی را برای دولت و ملت پایه‌ریزی کند. در این میان رویکرد تبدیل انجمن‌ها به «برند اجتماعی» رویکردی کارساز خواهد بود. در این جهت‌گیری‌ها نخستین عنصری که باید به آن توجه شود «مخاطب» است. چنان‌که همه محصولات اقتصادی با تبلیغات صحیح و تولید باکیفیت امکان برند اقتصادی شدن را دارند، اگر ما بتوانیم مخاطب خوبی داشته باشیم که با حضور مستمر و پویای خود باعث رونق انجمن شود، این امکان برای انجمن‌ها نیز فراهم خواهد بود. مسئولان انجمن‌های ادبی باید با خلق ایده‌های نو، تبلیغات مدرن، درنظر گرفتن فضای مناسب برای برگزاری برنامه‌های ادبی و... مخاطب را راضی کنند و با جذب نیروها و استعدادهای جدید در خلق آثار تأثیرگذار و مفید و توانمند، سهیم باشند. یادآور می‌شود که اگرچه رسالت انجمن‌های ادبی تولد نویسنده و شاعر است، باید باور داشته باشیم که انجمن‌های ادبی سنگرهای دفاع از ارزش‌ها و آموزه‌های فرهنگی ما هستند و ما فعالان انجمن‌های ادبی به عنوان سربازان جبهه مقابله با تهاجم فرهنگی، می‌توانیم در پرورش جامعه‌ای متعهد و دانا ایفای نقش کنیم.

مهدی قزلی، مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان: **مطالعه کتاب کاغذی بیشتر از کتاب الکترونیک «خلوت فعال» ایجاد می‌کند و همه حواس پنج‌گانه فرد را درگیر خود می‌کند.**

تولد با «جدایی»

نگاهی به کارنامه هنری و حواشی بازیگری ساره بیات

به‌مناسبت سالروز تولدش

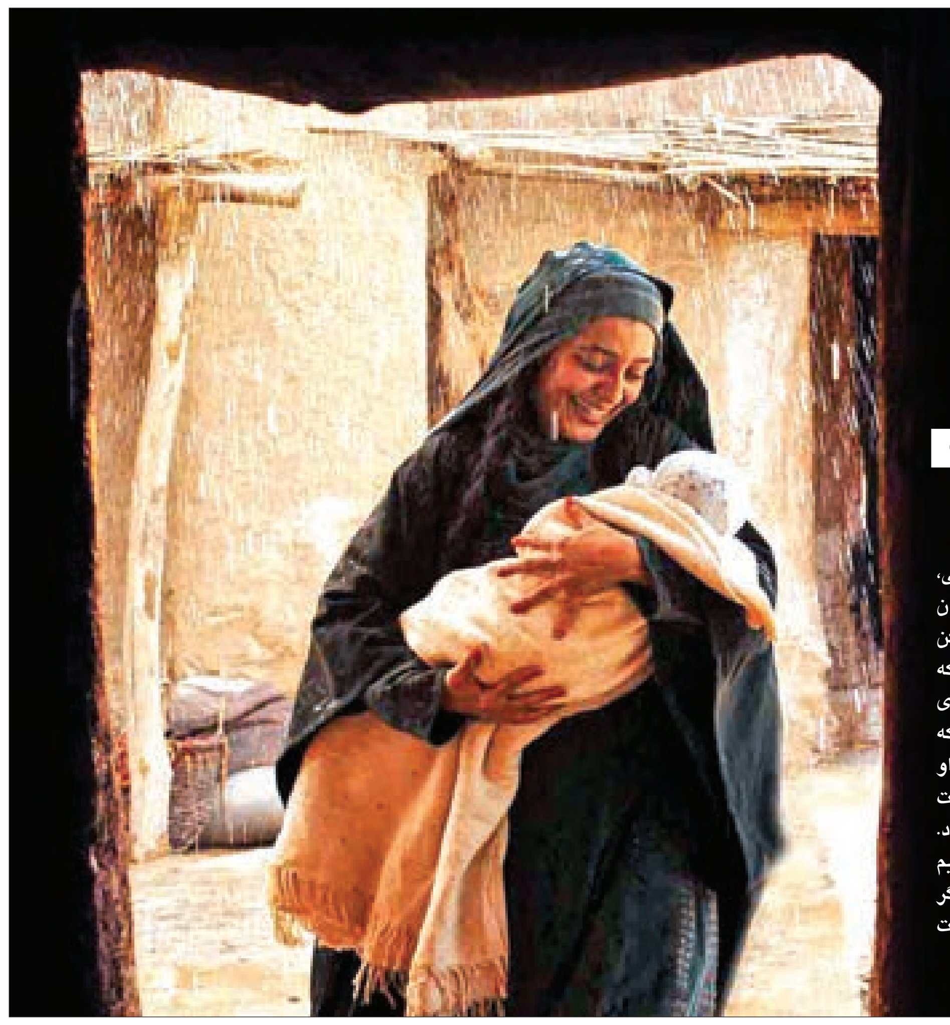

نمایی از فیلم «محمد رسول‌ا...»

شکیبا افخمی‌راد| خطه خراسان و شهر مشهد هنرمندان بسیاری را به کشور معرفی کرده است؛ هنرمندانی که نه‌تنها در سطح ملی درخشیده‌اند، بلکه در سطح بین‌المللی نیز افتخاراتی را کسب کرده‌اند. یکی از این افراد بدون شک ساره بیات است؛ هنرمندی که هرچند دیر پا به عرصه بازیگری حرفه‌ای گذاشت، با انتخاب‌های هوشمندانه و کار کردن با برترین کارگردان‌های ایران، توانست خودش را چهره‌ای جدید در سینما معرفی کند. حالا از او نه به‌عنوان نوه جواد شهرستانی، شهردار فقید مشهد و نه به‌عنوان خواهرزن رضا قوچان‌نژاد، بازیکن سابق تیم ملی، یاد می‌شود، بلکه همه او را با استعداد و هنر بازیگری خودش می‌شناسند؛ استعدادی که جوایز ملی و بین‌المللی را برای او به‌همراه آورده است. ساره بیات امروز، ۱۴مهر چهل‌ساله می‌شود. به همین بهانه نگاهی انداخته‌ایم به بازی‌ها و حواشی این بازیگر مشهدی در طول یک دهه فعالیت سینمایی‌اش.

۱ یک جدایی شیرین

نمایی از فیلم «جدایی نادر از سیمین»

فیلم سینمایی «مقلد شیطان» و سریال‌های «یک مشت پر عقاب»، «بی‌گناهان» و «بانو» اولین کارهای بیات هستند که شاید کمتر کسی حتی به یاد بیاورد او در آن‌ها به ایفای نقش پرداخته است. در این بین یک تست بازیگری برای فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی کافی بود تا فصل جدید دوران بازیگری بیات رقم بخورد. اعتماد فرهادی به بیات و قرار دادن او در یکی از نقش‌های کلیدیِ مهم‌ترین فیلمش باعث شد این بازیگر به سینمای ایران معرفی شود.

بازی او در فیلم «جدایی نادر از سیمین» در قامت بانویی مذهبی و از طبقه پایین جامعه که می‌خواهد با پیدا کردن شغل به همسر بیکارش کمک کند، همچنان بعد از گذشت ۹سال، یکی از بازی‌های خوب تاریخ سینمای ایران به‌شمار می‌رود؛ نقشی که برای بیات، دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل زن از بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر را به‌همراه داشت. بیات با انتخابی هوشمندانه ضمن حضور در کنار بازیگران مطرحی چون لیلا حاتمی، پیمان معادی و شهاب حسینی، دومین حضورش در سینما را به اسکار گره زد تا نامش درمیان بازیگران فیلم‌های برنده اسکار دیده شود.

علاوه‌بر این بازی بیات در نقش «راضیه» در دیگر حضورهای بین‌المللی فیلم «جدایی نادر از سیمین» به‌خوبی دیده شد و او توانست جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن انجمن منتقدان فیلم لندن و همچنین خرس نقره‌ای بهترین بازیگر زن جشنواره فیلم برلین به‌همراه گروه بازیگران زن این فیلم را از آن خود کند.

به این ترتیب «جدایی» برای ساره بیات، کاملا شیرین بود و برای او تجربه‌ای را رقم زد که برای بازیگران اندکی -آن‌هم در اولین سال‌های فعالیت حرفه‌ای‌شان- به‌دست می‌آید.

۲ مسیر یکنواخت بازی

نمایی از فیلم «اتاق تاریک»

بعد از همکاری با اصغر فرهادی، فصل تازه‌ای از بازیگری بیات آغاز شد؛ فصلی که باب آشنایی او با کارگردانانی چون فریدون جیرانی، فرزاد مؤتمن، مجید مجیدی و آیدا پناهنده بود. این فصل جدید هرچند بیات را بیش از پیش به‌عنوان یکی از بازیگرهای بااستعداد زن به سینمای ایران معرفی کرد، باعث شد بیات تاحدودی به چرخه تکرار بیفتد. او بعد از آنکه به‌خوبی نقش زنی دردمند را در «جدایی نادر از سیمین» ایفا کرد، معمولا در نقش‌هایی در همین سبک حاضر شده است. از میان این فیلم‌ها می‌توانیم به «لامپ ۱۰۰» سعید آقاخانی اشاره کنیم؛ دومین تجربه سینمایی بیات بعد از فیلم «جدایی». در این فیلم، بیات نقش زنی را بازی می‌کند که همسرش معتاد است. بعد از آن نیز این بازیگر مشهدی در فیلم موفق «فصل فراموشی فریبا» بازهم درقالب همان زن دردکشیده به ایفای نقش پرداخت. «خداحافظی طولانی»، «ناهید»، «آاااادت نمی‌کنیم»، «بیست‌ویک روز بعد»، «زرد» و «اتاق تاریک» دیگر فیلم‌هایی است که ساره بیات در آن‌ها وجوه مختلف از چهره زنی غمگین را به تصویر کشیده است؛ البته بیات در برخی از این فیلم‌ها بازی‌هایی به‌یادماندنی از خود به نمایش گذاشته است؛ مثلا آن جایی که در فیلم «ناهید» با همسر سابقش درگیری دارد و درعین‌حال عاشق فرد دیگری شده است یا، در فیلم «بیست‌ویک روز بعد» نقش مادری مبتلا به سرطان را به تصویر می‌کشد اما تکرار این روند، کم‌کم برای او دردسرساز خواهد شد. بیات که بازی‌های متفاوتش در فیلم‌هایی چون «محمد رسول‌ا...» و فیلم کمدی «خواب‌زده‌ها» نشان داده است که می‌تواند سبک‌های دیگری از بازیگری را نیز به نمایش بگذارد، باید در انتخاب‌های آینده‌اش هوشمندانه عمل کند و خود را از گیر افتادن در دام کلیشه برهاند. ساره بیات این روزها فیلم‌های «سمفونی نهم»، «لابی» و «هزار تو» را در صف اکران دارد. همچنین قرار است در فیلم «عنکبوت» ابراهیم ایرجزاد بازی کند. باید دید فعالیت‌های اخیر او می‌تواند فصل جدید کاری‌اش را رقم بزند؟

۳ گذر از فیلم‌های مخاطب خاص

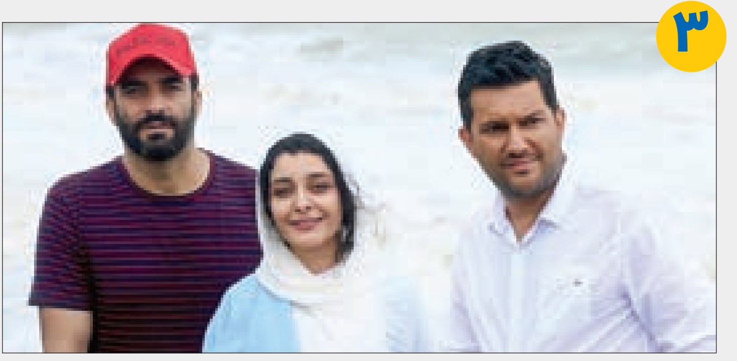

نمایی از پشت صحنه سریال «دل»

ساره بیات در سه سال گذشته بیشتر در فیلم‌هایی بازی کرده است که عامه‌پسند نیستند و به قولی مخاطب خاص خودشان را دارند اما در این دو سال، همکاری او با منوچهر هادی، باعث شده است بیات به عامه مخاطبان نیز معرفی شود. همکاری بیات با هادی به سریال «عاشقانه» برمی‌گردد؛ سریالی که سال ۱۳۹۵ در شبکه نمایش خانگی توزیع شد و توانست مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند. هرچند که به این سریال نیز نقدهای بسیاری ازجمله نداشتن فیلم‌نامه درست و منسجم وارد بود، شناخت هادی از ذائقه مخاطب و حضور هومن سیدی در قامت کاراکتری طنز باعث شد کل سریال و عواملش به‌خوبی دیده شوند، حتی بیات که بار دیگر در نقش زنی دردکشیده که فرزندش را از دست داده است در این سریال حاضر شده بود، به‌خوبی توانست جای خود را میان مخاطبان عام باز کند. استقبال از این سریال در زمان پخش به‌گونه‌ای بود که اکنون هادی قصد دارد قسمت دوم آن را با عوامل قبلی جلوی دوربین ببرد. بعد از سریال «عاشقانه»، بیات در فیلم کمدی «رحمان ۱۴۰۰» با منوچهر هادی همکاری کرد؛ فیلمی با حضور بازیگران مطرحی چون رضا گلزار، مهران مدیری و سعید آقاخانی که کاملا برای گیشه ساخته شده بود. این فیلم نوروز امسال در سینماهای کشور به نمایش درآمد و بعد از مدتی کوتاه نیز به‌دلیلی که اکران نسخه بدون مجوز در برخی سینماها خوانده شد، توقیف شد، با این حال فروش آن در همان مدت کوتاه به بیش از ۲۲میلیارد تومان رسید و ساره بیات به‌خوبی در نقشش دیده شد. این روزها نیز بیات و هادی در سریال «دل» برای پخش در شبکه نمایش خانگی با یکدیگر همکاری می‌کنند. بیات در این سریال با حامد بهداد، دیگر بازیگر مشهدی، هم‌بازی شده است. این دو ۱۲سال پیش در سریال «یک مشت پر عقاب» درکنار یکدیگر قرار گرفته بودند و حالا بار دیگر با یکدیگر هم‌بازی شده‌اند؛ سریالی که احتمالا همچون کارهای دیگر هادی، مخاطب عام را راضی کند. همکاری بیات با این کارگردان سینما و تلویزیون هرچند که بار حرفه‌ای برای او ندارد و نقطه درخشانی در بازیگری وی نیست، باعث شده است بیات با مخاطب گیشه نیز ارتباط برقرار کند.

۴ حاشیه‌های کم اما پرسروصدا

انتخاب ساره بیات به عنوان سفیر صنایع دستی ایران

ساره بیات نه اهل گفت‌وگو با رسانه‌هاست نه آن‌چنان در فضای مجازی فعالیت می‌کند، از همین‌رو کمتر با حواشی عجیب‌وغریب روبه‌روست، با این حال همان حواشی کم‌تعداد در این سال‌ها برای او دردسرساز شده و واکنش‌های مختلفی را به‌همراه داشته است. یکی از این حواشی مهم به آذر ۹۷ برمی‌گردد؛ آن زمان عکسی از ساره بیات با پالتویی از پوست روباه در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد؛ عکسی که موجی از انتقادها به‌ویژه از سوی انجمن‌های حامی حیوانات را به‌همراه داشت. این انتقادها وقتی شدت گرفت که درکنار عکس، بحث سفیر صنایع دستی بودن ساره بیات نیز مطرح شد. این بازیگر مرداد۹۶ از سوی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با هدف ترویج استفاده از صنایع دستی در زندگی روزمره مردم، به‌عنوان سفیر صنایع دستی انتخاب شد، از همین‌رو بعد از انتشار عکس آنچه با انتقاد روبه‌رو شد، بی‌توجهی سفیر صنایع‌دستی ایران به حقوق حیوانات و محیط‌زیست بود. همان زمان یکی از حامیان محیط‌زیست در صفحه خود نوشت: «سفیر صنایع‌دستی ما نه‌تنها لباس سنتی با سوزن‌دوزی‌های زنان بلوچ را در مجامع جهانی نمی‌پوشد که پالتوی پوست روباه تبلیغ می‌کند. شاید باید بگوییم شانس آوردیم سفیر محیط‌زیست نشد!» اما نکته جالب توجه، سکوت بیات در این ماجرا بود. این بازیگر ترجیح داد جنجال‌ها را با سکوتش پایان دهد؛ البته بعدها در خبرها آمد که عکس مربوط به دو سال پیش و قبل از سفیر شدن بیات بوده است. همچنین گفته شد پالتو متعلق به یکی از مجموعه‌داران پوست طبیعی بوده که گاهی اوقات اجناسش را برای عکاسی و یا تبلیغ در اختیار بازیگران قرار می‌دهد. در این بین، سفیر بودن بیات در حوزه صنایع دستی نیز زیاد طولانی نشد. ۲۰خرداد۹۸ در نشستی که به‌مناسبت روز جهانی صنایع دستی برگزار شده بود، پویا محمودیان، معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی سازمان میراث‌فرهنگی، به‌دنبال انتقادهای واردشده به عملکرد ساره بیات به‌عنوان سفیر صنایع دستی تأکید کرد که این هنرمند دیگر سفیر صنایع دستی نیست. به این ترتیب، حواشی ساره بیات درباره این موضوع پایان یافت؛ هرچند که عواقبش احتمالا تا مدت‌ها گریبان‌گیرش خواهد بود.

نگاه هویتی در شهر امام مهربانی

در نشست مسئولان شهری با مدیرکل صداوسیمای استان مطرح شد

گروه هنرا روز گذشته نشست صمیمانه مسئولان شهری با مدیرکل صداوسیمای خراسان رضوی با هدف بررسی موضوعات مورد نیاز و مرتبط با حوزه زیارت برگزار شد.

در این نشست، رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی شهر مشهد، ضمن تاکید بر تمرکز شورای اسلامی بر موضوعات فرهنگی و تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی این حوزه گفت: ما در هر حالتی خودمان را خادم علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) می‌دانیم و هر حرکتی که مبنای هویتی شهرمان را تقویت کند، در دستور کار قرار می‌دهیم.

به گفته احسان اصولی، در بخش‌های محتوایی موضوع زیارت، مجموعه شهرداری اقدامات موثری را سیاست‌گذاری و اجرا کرده است: «چند محور در این حوزه وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، فرهنگ میزبانی است و به نظر من، این حوزه جای کار زیادی دارد و هرچه بیشتر روی آن کار کنیم، از برکات مادی و معنوی بهتری بهره‌مند می‌شویم.»

او در ادامه صحبت‌هایش درباره مفهوم شهر امید و زندگی که شعار دوره پنجم شورای اسلامی شهر بود، گفت: این شعار یک مضمون متصل به وجود امام رضا(ع) است. همه ما به نوعی زائر و مجاور علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) هستیم و با شکل‌های گوناگون امید و حاجت به زیارت این امام همام می‌رویم، پس چه خوب است که شعار این شهر، همراه با امید و نگاهی زیبا به جنبه‌های مختلف زندگی و هویتی در شهر امام مهربانی‌ها باشد.

در ادامه، محمدمحسن مصحفی، سرپرست سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، با اشاره به اهمیت وجود یک مرجع خبری مانند رادیو زیارت برای هر شهروند و مسلمان ایرانی گفت: ما در حوزه اعتقاد و تدین در جامعه با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم که به دلایل مختلفی می‌توان برای آن پیدا کرد، از این رو همه باید به بُعد معرفتی ترویج معارف دینی بیشتر توجه کنیم.

مصحفی همچنین بر اهمیت بحث فرهنگ شهروندی تاکید کرد و این حوزه را مرتبط با مسائل دینی دانست: «ما در مجموعه شهرداری معتقدیم که این موضوع، بخشی از اخلاق فردی است که از رابطه فردی ما شروع می‌شود و به نوعی حضور ما در جامعه و در ارتباط با دیگران ختم می‌شود.»

به گفته مصحفی، در همه این‌ها مبانی اخلاق دینی وجود دارد اما به‌طور مشخص یک مقوله وجود دارد که به بحث فرهنگ میزبانی و فرهنگ پذیرش زائر است اما متاسفانه آن‌گونه که باید، به آن توجه کافی نکرده‌ایم: «در روزگار جدید این مشکلات تبعات بیشتری ایجاد می‌کند. هدف معنوی افرادی که به مشهد سفر می‌کنند، در وهله اول زیارت بارگاه امام هشتم(ع) است اما نکته‌ای که کمتر به آن توجه شده است، حضور افراد سودجو یا ناآگاهی است که بدون آنکه متوجه تاثیر منفی رفتار و عملکرد خود باشند، به نوعی نام شهر مشهد و شهروندان آن را زیر سوال می‌برند. خروج زائر با خاطره بد و منفی، می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد، بنابراین مسئولیت ما نسبت به شهروندان شهرهای دیگر، کمی سنگین‌تر است.»

هویت زیارتی مشهد

همچنین سیدمحسن حسینی پویا، عضو شورای اسلامی شهر مشهد، در این جلسه گفت: مشهد در وهله نخست، هویت زیارتی دارد، از این رو شهرسازان معتقدند اگر بارگاه منور امام رضا(ع) نبود، مشهد فعلی شاید به مراتب کوچک‌تر از برخی شهرها بود. به نظرم باید در تعریفمان به یک گفتمان مشترک برسیم که شهرمان چه شهری است و قصد داریم آن را با چه ویژگی‌ای معرفی کنیم. همه ما در یک جبهه هستیم و هرکاری از دستمان ساخته باشد، انجام می‌دهیم. او با تاکید بر اهمیت آموزش مفاهیم پذیرایی از زائر و پذیرش تعارض‌های فرهنگی به شیوه مثبت و موثر خاطرنشان کرد: در شهری که برای ۳۰میلیون زائر است، حتما سلایق مختلف و متنوعی وجود دارد. ما تعارض فرهنگ‌های مختلف را داریم که باید برای آن مدارا و گفت‌وگومداری را یاد بگیریم. ما تلاش خودمان را می‌کنیم و به نظر می‌رسد از شروع این جریان باهم وحدت‌نظر داشته باشیم.

یک هفته برای کودکان شهر

ویژه‌برنامه‌های هفته ملی کودک در فرهنگ‌سرای «کودک و آینده» اعلام شد

هنر شهری

گروه هنرا فرهنگ‌سرای «کودک و آینده» به‌مناسبت فرارسیدن هفته ملی کودک، ۱۷برنامه گوناگون را برای شهروندان به‌ویژه کودکان تدارک دیده است. «رویداد شهر جعبه‌ای»، «بازی‌های تعاملی و بومی محلی»، «کارگاه‌های فرزندپروری»، «سالن بازی‌های حواس پنج‌گانه» و «ساعتی با مدیران» از برنامه‌های شاخصی است که سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری به‌همت فرهنگ‌سرای کودک و آینده از ۱۳ تا ۲۱مهر در دست اجرا دارد. کارگاه نگاهی به رمان‌های نوجوان با رویکرد فلسفی برای کودک (فبک)، با هدف آموزش رویکردهای نوین در آموزش مهارت تفکر نقادانه به کودکان، ۱۴مهر به میزبانی این فرهنگ‌سرا برگزار می‌شود. فرهنگ‌سرای کودک و آینده برنامه‌های دیگری را نیز شامل نمایش فیلم «تیلی و من» در سینماکودک از ۱۵ تا ۱۷مهر، کارگاه تحلیل فیلم در روزهای ۱۵، ۱۷ و ۲۰مهر و همچنین کارگاه «استعدادیابی»، از ۱۶ تا ۱۸مهر برای شهروندان برگزار می‌کند. برپایی کارگاه «رابطه تسهیل‌گرانه والد و کودک» در ۱۵مهر و دو کارگاه «فبک برای والدین» و «هوش هیجانی» در ۱۶مهر، از ویژه‌برنامه‌هایی است که این فرهنگ‌سرا به مناسبت این ایام تدارک دیده است. کارگاه‌های «محدودیت‌گذاری در فرزندپروری»، «مراقبت از بدن» و «شهروند دیجیتال خوب» نیز ۱۷مهر در این فرهنگ‌سرا میزبان شهروندان مشهدی است. فرهنگ‌سرای کودک و آینده همچنین ۱۸مهر، میزبان شهروندان در سمینار «رشد یکپارچه کودک» به مناسبت هفته ملی کودک خواهد بود. در کنار این‌ها، در رویدادهای هفته ملی کودک در سازمان اجتماعی فرهنگی شهرداری مشهد، برای تعداد درخور توجهی از کودکان مناطق حاشیه‌ای و کم‌برخوردار، برنامه‌ریزی شده است تا برای استفاده رایگان از این برنامه‌ها، با همکاری شهرداری‌های آن مناطق به فرهنگ‌سراهای کودک و آینده اعزام شوند.

حکایت همچنان باقی است

موکول شدن انتخابات انجمن هنرهای تجسمی استان به دور دوم

پس از کش‌وقوس‌های بسیار یک ساله و چندین‌بار تعویق در برگزاری انتخابات انجمن هنرهای تجسمی استان، نهایتا تاریخ ۱۱مهر برای برگزاری انتخابات و مشخص شدن اعضای هیئت مدیره به قطعیت رسید اما این سرانجام کار نبود. به گزارش شهرآرا، مجمع انتخابات هیئت‌مدیره انجمن هنرهای تجسمی خراسان رضوی به علت نرسیدن به حد نصاب، رسمیت پیدا نکرد و به دور دوم موکول شد. در کانال تلگرامی این انجمن قید شده است که محمدرضا محمدی، مدیر هنری سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، این وعده را داده است که در هفته آینده، دور دوم انتخابات برگزار و تکلیف انجمن هنرهای تجسمی بالاخره مشخص خواهد شد.

دیزنی، قصد ساخت فیلم زنده‌ای بر مبنای پویانمایی «کارآگاه گجت» دارد. «کارآگاه گجت» اولین‌بار سال ۱۹۸۳ درقالب یک سریال پویانمایی علمی کمدی ساخته شد و در ایران نیز طرفداران بسیاری به‌خصوص درمیان دهه‌شصتی‌ها پیدا کرد.